

خبر

معاون پلیس آگاهی ناجا خبر داد: سرقت احشام در پی افزایش قیمت گوشت

■ ایسنا: معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی ناجا با اعلام اینکه سرقت کابل و احشام افزایش یافته است، بالا رفتن قیمت گوشت و برخی تعلق‌ها را علت این دو اتفاق دانست. سرهنگ فردین خالقی‌فرد گفت: با توجه به افزایش قیمت فرآورده‌های گوشتی در بعضی از مناطق شاهد سرقت‌های احشام هستیم، البته صاحبان احشام هم نکات امنیتی را برای نگهداری از احشام خود رعایت نمی‌کنند و همین موضوع زمینه ارتکاب سرقت را به وجود می‌آورد. وی ادامه داد: با توجه به افزایش سرقت سسیم کابل برق این موضوع را بارها به وزارتخانه مربوطه اعلام کردیم و تاکید شد پیگیری‌های بیشتری در رابطه با افراد دستگیرشده در این‌باره صورت گیرد تا سارقان در این رابطه تجری پیدا نکنند اما تاکنون گزارشی از نتیجه این مکاتبات اعلام نشده است. خالقی‌فرد در بخش دیگری از اظهاراتاش عملکرد پلیس را در مقابله با جرایم باندى موفق توصیف و تصریح کرد: در سال گذشته میزان کشف نسبت به وقوع سرقت منزل ۶۱/۶ درصد مغایره ۶۱/۹ درصد سرقت عادی از بانک ۵۱/۱ و وسایل اماکن ۷۰ درصد بود و در مجموع در سال گذشته بالغ بر ۶۵ درصد از سرقت‌های صورت گرفته در کشور کشف شد. وی ادامه داد: تهران بزرگ از مجموع سرقت‌ها ۲۸ درصد از سرقت‌های به عنف را به خود اختصاص داده است که این آمار به ترتیب در استان فارس ۱۶/۳ درصد، استان تهران ۱۱/۳ درصد، خراسان ۸/۹ درصد، اصفهان ۶/۹ درصد و سایر استان‌ها نیز کمتر از چهار درصد است. خالقی‌فرد ادامه داد: «در سال گذشته میزان دستگیری سارقان زن ۴۳/۱ درصد افزایش یافته که البته با توجه به تعداد افراد دستگیرشده این آمار نگران‌کننده‌ای برای پلیس نیست. همچنین دستگیری سارقان مرد در این مدت ۴۴/۶ درصد فزایش یافته است ضمن اینکه آمار نشان‌دهنده افزایش ۴۰/۱ درصدی دستگیری افراد بدون سابقه در حوزه سرقت است.»این مقام انتظامی خاطر نشان کرد: بالغ بر ۵۳ درصد کل جرایم سرقت مربوط به سرقت وسایل نقلیه است. پلیس آگاهی با وجود مکاتبات مکرر به ویژه با وزارت صنایع و ارایه نکات و خلأهای امنیتی در این رابطه تاکنون پاسخی را از سوی سازمان‌های مرتبط دریافت نکرده است، البته برخی از خودروسازان هم در جلسات مربوط به امنیت خودروها شرکت می‌کنند اما زمانی‌که بحث اجرایشدن مصوبات مطرح می‌شود، دلالی را عنوان می‌کنند که عمده آنها اقتصادی است.

شرق: دوبار قصاص، حبس و شلاق مجازات دو مردی است که ربیس یک شعبه بانک را به قتل رساندند و جسدش را در گودالی دفن کردند به گزارش خبرننگار ما، در ابتدای این جلسه محاکمه، ذبیح‌زاده، نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست خطاب به قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران گفت: ماموران پلیس کرج ۲۰ اسفند سال گذشته باخبر شدند مردی به نام عبدالله که ربیس بانکی در گلشهر بود، به طرز مشکوکی کُش شده است و کسی از او خبر ندارد. همسر عبدالله که معقود شدن شوهرش را به پلیس خبر داده بود، گفت: شوهرم به خاطر پیامکی که از بانک به دستش رسید، از خانه خارج شد، گویا دستگاه خودپرداز بانک خراب شده بود. عبدالله به من گفت زود برمی‌گردد اما هر گز برگشت. نماینده دادستان ادامه داد: «۲۰ روز بعد از شروع تحقیقات مردی به نام اکبر به پلیس مراجعه کرد و گفت شخصی را به همدستی دوستش به نام داود به قتل رسانده است. ماموران با بررسی‌هایی که انجام دادند، متوجه شدند اکبر و دوستش قاتلان ربیس بانک هستند. بنابراین هر دوی آنها بازداشت و بعد از تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و از آنجا که هر دو نفر به مشارکت در قتل متهم هستند با توجه به درخواست اولیای دم مقتول خواستار صدور حکم قانونی در این خصوص هستیم.»در ادامه جلسه اولیای دم در جایگاه حاضر شدند. آنها برای متهمان درخواست صدور حکم قصاص کردند و گفتند حاضر به گذشت نیستند. همسر مقتول نیز خطاب به

کلاهبرداری ۲ میلیاردی تاجر ورشکسته



شرق: مرد ورشکسته‌ای که می‌خواست ثروت برباد رفته‌اش را از راه کلاهبرداری بازپاید با وعده فروش سیستم‌های گرمایشی صدها نفر را فریب داد و دو میلیارد تومان کلاهبرداری کرد. به گزارش خبرنگار نگار ما، مدیر یک مجتمع مسکونی، بهمن سال گذشته به داندسرای ناحیه سه تهران رفت و مدعی شد، مردی به بهانه فروش سیستم گرمایشی ۲۰ میلیون تومان از وی کلاهبرداری کرده است. شاکي در تشریح جزئیات این ماجرا به بازپرس شعبه سیزدهم گفت: چون سیستم گرمایشی مجتمع فرسوده شده بود، مدتی قبل تصمیم گرفتم سیستم تازه‌ای تهیه کنم. به همین دلیل در لابه‌لای آگهی روزنامه‌ها به دنبال فروشنده مناسبی بودم تا اینکه شرکتی که قیمت سیستم‌های آن مناسب‌تر از بقیه بود را انتخاب کردم. مدیر شرکت که خود را بهزاد معرفی کرده بود با چرب زبانی اعتمادم را جلب و مبلغ ۲۰ میلیون تومان از من دریافت کرد و قرار شد چند روز بعد متخصصان شرکت، تجهیزات را نصب کنند. من هم به ساکنان ساختمان وعده

مرد سرایدار و همدستش به کشتن ربیس بانک اعتراف کردند

اسکناس‌هایی به رنگ خون

من و دوستانم وسایل را آماده کردیم و بعد برای اینکه ربیس بانک را به شعبه بکشانیم، من روی دستگاه خودپرداز چسب قلم‌راهی ریختم تا خراب شود. می‌دانستم اگر دستگاه مشکل پیدا کند، به صورت خودکار برای ربیس شعبه پیامک ارسال می‌شود. البته فکر نمی‌کردم عبدالله برای پیگیری موضوع خیلی زود بیاید. هنوز داشتیم آماده می‌شدیم که او رسید و من هم در یک لحظه ضربه‌ای به سرش زدم و ربیس روی زمین افتاد. مرتب اسم من را صدا می‌زد و می‌گفت من به تو بدی نکردم، چرا من را می‌کشی هر چه از بانک پول می‌خواهی بردار و برو. در این هنگام اکبر بر رسید و اوهم ضربه‌ای به سر عبدالله زد، وقتی کاملاً بی‌حال شد، دور دهاش چسب پیچیدیم و بعد که مطمئن شدیم خفه شده است، جسد را لای فرش پیچیدیم و آن را داخل نمازخانه گذاشتیم. من خون‌ها را پاک کردم و داشتیم پول‌ها را بر می‌داشتیم که یکی دیگر از کارمندان بانک که از دوستان عبدالله بود آمد و سراغ او را از من گرفت من هم برای اینکه لو نرویم، گفتم عابر بانک را درست کرد و برای تعویض روکش صندلی‌های ماشینش رفت. عبدالله چند روز قبل درباره روکش صندلی‌هایش با من صحبت کرده بود. در ادامه من و اکبر

دزد جواهرات در دام مردم

بازها به ارتکاب مصرف و خرید فروش مواد مخدر دستگیر و زندانی شده‌است. عیسی در جریان بازجویی‌ها به ده‌ها فقره سرقت طلا و جواهرات کودکان اعتراف کرد و گفت: وقتی تصمیم به سرقت می‌گرفتم، موتوسیکل‌ام را در کوچه‌ای پارک می‌کردم و با پرسه زدن در کوچه‌ها، کودک‌انی که طلا به همراه داشتند را شناسایی می‌کردم و با سرقت طلاها به سرعت به سوی موتوسیکلتم می‌دویدم و سوار بر آن فرار می‌کردم. کارآگاهان پس از ثبت اعتراضات متهم، موظف شدند درباره چند پرونده سرقت طلا در کودکان که در ماه‌های گذشته تشکیل شده بود، تحقیق کنند. در این مرحله عیسی در معرض دید چندین دختر حالی که او با نشان دادن یک تکه کاغذ من را سر گرم کرده بود، در یک لحظه به طرفم حمله و تلاش کرد گردنبدم را سرقت کند. همین کار باعث شد به شدت روی زمین بیفتم. او این بار سعی کرد دستبندم را بپزند اما دخترم با او در گیر شد و همزمان همسایه‌ها نیز متوجه ماجرا شدند و چند لحظه بعد متهم دستگیر شد. پس از انتقال عیسی به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران معلوم شد او از مجرمان سابقه‌دار است و



اعتراضات متهم، موظف شدند درباره چند پرونده سرقت طلا در کودکان که در ماه‌های گذشته تشکیل شده بود، تحقیق کنند. در این مرحله عیسی در معرض دید چندین دختر حالی که او با نشان دادن یک تکه کاغذ من را سر گرم کرده بود، در یک لحظه به طرفم حمله و تلاش کرد گردنبدم را سرقت کند. همین کار باعث شد به شدت روی زمین بیفتم. او این بار سعی کرد دستبندم را بپزند اما دخترم با او در گیر شد و همزمان همسایه‌ها نیز متوجه ماجرا شدند و چند لحظه بعد متهم دستگیر شد. پس از انتقال عیسی به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران مراجعه‌کنند.

جنایت به خاطر ۱۰ هزار تومان

متهمان به قصد سرقت، راننده یک وانت را کشتند

غلامعلی و مهدی راننده وانت را کشته‌اند آن دو مرد نیز در مخفیگاه‌شان دستگیر شدند و اقرار کردند هر کدام از آنها یک ضربه به یعقوب زده است. متهمان همچنین اعتراف کردند، قصد داشتند پول‌ها و وانت یعقوب را بزدند اما او سوییچ خودرواش را بیرون پرت کرده و از طرفی فقط ۱۰ هزار تومان پول همراهش بود و به هر کدام از آن دو فقط پنج هزار تومان رسید.

مهدی در این‌باره به پلیس گفت: بعد از آنکه در خانه غلامعلی نقشه سرقت را کشیدیم، ابتدا می‌خواستیم با کرایه یک خودرو گوسفندان پدزنن او را سرقت کنیم. به همین دلیل به ابتدای جاده سپس‌آباد رفتیم اما آنجا نقشه‌مان عوض شد و تصمیم گرفتیم خودرویی سرقت کنیم. ابتدا محمد وانت را کرایه کرد و کنار راننده نشست. ما هم سوار بر خودرو به راه افتادیم. وقتی به محل حادثه رسیدیم محمد به بهانه‌ای راننده را فریب داد و او خودرو را متوقف کرد. او سپس خودش هم از خودرویی پیاده شد و ما هم به طرف آنها رفتیم. راننده که از نیت ما باخبر شده بود، سوییچ خودرواش را داخل زمین‌های کشاورزی پرت کرد. محمد راننده را نگه داشته بود، من هم دنبال سوییچ می‌گشتم اما نتوانستم آن را پیدا کنم. به همین دلیل یک چاقو داخل جای سوییچ خودرو کردم. راننده وانت که فهمیده بود نقشه ما جدی است، مقاومتش را بیشتر کرد. در چنین شرایطی محمد او را به طرف من هل داد و من هم یک ضربه کارد به پایش زدم و در ادامه محمد هم ضربه‌ای به او زد. سپس با سرقت ۱۰ هزار تومان پول نقد، گوشی و مدارک راننده از آنجا فرار کردیم و پول به‌دست‌آمده را بین خودمان تقسیم کردیم. محمد متهم به قتل دیگر نیز با قبول اظهارات همدستانش گفت: ما دو چاقو داشتیم. چاقویی که دست من بود هم شکل چاقوی مهدی بود. وقتی من با راننده درگیر شدم با یکدیگر روی زمین افتادیم که در این لحظه چاقویم به پهلوش فرو رفت.

بر اساس این گزارش، هم‌اکنون متهمان در بازداشت بهسر می‌برند و تحقیقات تکمیلی در این‌باره ادامه دارد.

پنج قاره

فرود اضطراری هواپیما با ۲۶۰سرنشین

ایسنا: یک هواپیما متعلق به خطوط هوایی آمریکا با ۲۶۰ سرنشین مجبور به فرود اضطراری در فرودگاه فلسطین شد. سخنگوی گروه امداد و نجات فلسطین در این‌باره خاطرنشان کرد: این هواپیماي مدل بوئینگ ۷۷۷ که به سمت «نیوارک» در ایالت «نیوجرسی» آمریکا در حرکت بود، به دلیل بروز نقص فنی مجبور به انجام فرود اضطراری در فرودگاهی در فلسطین شد. او خاطرنشان کرد: تمامی ۲۶۰ سرنشین این هواپیما به سلامت از آن خارج شدند. همچنین در این عملیات بیش از ۷۰ مامور امدادگر حضور داشتند.

حوادث

نگاه

وناگهان دیه ...

مصطفی ملکشاه*

■ تا این لحظه و با گذشت دو ماه از سال، هنوز رسماً مبلغ دیه سال ۹۰ اعلام نشده است؛ اما در خبرگزاری‌ها و به نقل از معاون قضایی دادگستری استان کرمان آمده «... نرخ یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در سال جاری براساس استعلام انجام شده، مبلغ ۹۰۰ میلیون ریال است و این نرخ از تاریخ ۱۶ خرداد به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد...»

مبلغ دیه کامل انسان در ماه‌های غیر حرام در چند سال اخیر به این ترتیب بوده: سال ۸۴ و ۸۵ ۲۵ میلیون تومان، سال ۸۵ و ۸۶ ۲۶ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان، سال ۸۶ و ۸۷ ۲۵ میلیون تومان، سال ۸۷ و ۸۸ ۴۰ میلیون تومان و در سال ۸۹ و ۹۰ ۴۵ میلیون تومان. با این محاسبه اگر میزان دیه در سال ۱۳۹۰، ۹۰ میلیون تومان باشد با افزایش صددرصدی بهای جان آدمی مواجه خواهیم بود که ظاهراً امر مطلوبی است.میزان تعیین دیه، براساس ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، هم‌راه با توجه به نرخ تورم و قیمت سوبقهٔ اعیان سه‌گانه (بهای بازاری شستر، گوسفند و گاو) محاسبه و اعلام می‌شود. اعلام نرخ دیه از سوی وزیر دادگستری به عمل می‌آید؛ بدین نحو که با اخذ نظر کارشناسان اقتصادی و افراد خبره در حوزه‌های حقوقی، فقهی و بیمه و همچنین با استناد به فتوای مراجع تقلید، میزان دیه برحسب اقلام سه‌گانه مندرج در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی تعیین و با موافقت و تأیید نهایی ریاست قوهقضاییه به وسیلهٔ وزیر دادگستری به مراجع و واحدهای قضایی سراسر کشور ابلاغ می‌شود. خبری که به نقل از یک مقام قضایی در استان کرمان مبنی بر افزایش صد درصدی مبلغ دیه در سال ۹۰ در جامعه مطرح شده تا زمانی که رسماً به نحوی که ذکر شده ابلاغ نشود، نمی‌تواند مورد عمل واقع شود چه اینکه هنوز مراجع قضایی و شرکت‌های بیمه بر مبنای نرخ سال گذشته عمل می‌کنند.اگرچه افزایش بهای تعامیت جسمانی افراد به یک معنا، احترام به حقوق طبیعی بشر و حیات انسانی آنهاست؛ اما اگر این افزایش بهاء، ناآگاهی و بسودن روانی افراد متعلقه را وابستگی‌های زندگی اقتصادی – اجتماعی افراد در جامعه باشد، در نهایت به نوعی به نقض غرض ختم می‌شود. در دنیای امروزی یکی از تأملیات مالی که نقش حمایتی افراد در جامعه را ایفا می‌کند، بیمه‌ها هستند و طبیعی است با این افزایش صد درصدی میزان دیه، شرکت‌های بیمه برای قرار از ورشکستگی با افزایش حق بیمه‌ها – چرا که نرخ دیه ملاک تعیین تعهد خسارت بدنی و حق بیمه در بیمه نامه‌های اجباری شخص ثالث است – فشار اقتصادی وارده به تعهدات خود را به مردم تحمیل می‌کنند. بنابراین شاید بسیاری، توان پرداخت حق بیمه‌های زیادی که در پی خواهد آمد را نداشته باشند و از حمایت مادی و روانی شرکت‌های بیمه محروم شوند. یکی از نتایج محرومیت از بیمه مسوولیت مستقیم مالی افراد در قبال خسارات غیرعمدی – که عموماً از تصادفات رانندگی است – و پرداخت مبلغ سنگینی خواهد بود که بسیاری از افراد جامعه توان پرداخت آن را ندارند و با زندان رفتن فردی که فاقد حمایت بیمه‌ای است، فقط آمار زندان‌ها چند برابر خواهد شد؛ در حالی که خسارت زیان‌دیده نیز جبران نشده باقی می‌ماند. با پرداخت حق بیمه‌های سنگین، فشار اقتصادی مضاعف و ناخواسته‌ای به جامعه تحمیل خواهد شد.

یکی از بحث‌های قدیمی و لاینحل در مورد دیات در دادگستری ایران، ابهام عملی موجود در خصوص ماهیت دیه است. بسیاری از محاکم، دیه را چهره‌ای از مجازات‌ها می‌دانند و بعضی از محاکم، دیه را نوعی جبران خسارت، نتیجه تفاوت این دو رویکرد قضایی در بحث خسارات مازاد بر دیه نمایان می‌شود. چرا

که در بسیاری از تصادفات و خسارات، خسارت زیان دیده – اعم از هزینه‌های بیمارستانی و درمانی – بیش از مبلغ دیه‌ای است که به مصدومی تعلق می‌گیرد.

نمونه بارز این مساله پرونده آمنة است، اگر فرضا به آمنة چند برابر دیه کامل زن، دیه هم تعلق بگیرد، هنوز خسارات و هزینه‌های او جبران نخواهد شد.

بنابراین به جای افزایش مبلغ کلی دیه، ملاک پرداخت مازاد هزینه‌ها بر دیه را هموار کنیم؛ تا هم حقوق فردی مصدوم بماند و نیز جامعه با تورم ناخواسته مواجه نشود. نکته دیگر، یکی از قوانین مسکوت در جامعه قضایی ایران یعنی محاسبه و پرداخت زیان معنوی است؛ چرا که با وجود پذیرش زیان معنوی در قوانین موضوعه عملاً عزم جدی در سیاست قضایی و اجرایی در پرداخت این نوع زیان‌ها نیست؛ اگرچه امکان قانونی آن میسر است شاهد این مدعا در پرونده هموفیلی‌هاست که زیان معنوی مورد حکم قرار گرفت و با واکنش مثبت جامعه حقوقی نیز مواجه شد.

بنابراین با احتساب این، زیان معنوی – البته با اثبات شرایط قانونی – می‌توان بسیاری از خسارت و زیان‌ها را به نحو منطقی و در موضع مورد حمایت قانونی به جای افزایش کلی و صد درصدی مبلغ دیه جبران کرد. بنابراین به جای افزایش ناگهانی و صد درصدی

بهای دیه، بهتر آن است که اول این افزایش با توجه به نرخ واقعی تورم در جامعه باشد تا شرکت‌های بیمه و در نهایت مردم دچار فشار و شوک اقتصادی نشوند.

دوم به حقوق واقعی زیان‌دیدگان با بازنگری در قوانین مرتبط و پذیرش پرداخت خسارات مازاد بر دیه توجه منطقی شود. توجه به امکان قانونی موجود در قانون، مسوولیت مدنی باب پرداخت زیان‌های معنوی با توجه به شرایط قانونی آن گشوده شود. با رعایت این نکات، قطعاً بهای جان آدمی با ارزش تر خواهد بود و منافع فرد و اجتماع نیز بهتر از دیه ۹۰ میلیونی تأمین می‌شود.

*حقوقدان